



دانشگاه پیام نور

دانشکده

ادبیات و علوم انسانی

گروه

زبان و ادبیات فارسی

عنوان

بررسی شخصیت زن در آثار داستانی منیر و روانی پور

استاد راهنما

دکتر ابوالقاسم رادفر

استاد مشاور

دکتر پدram میرزایی

نگارش

مژگان نوروزی

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سپاس و ستایش

خدایی را که

خالق هستی و قلم است

و با تشکر از مادرم

که جانم را با مهر سرشت

و مرغ اندیشه‌ام را پر و بال بخشید

تقدیم به

همسرم که حمایت‌های بی‌شائبه‌اش دلگرمی من در این راه بوده است
و به دخترم «سوگند» که با سکوت و آرامشش موفقیت مرا در انجام
این مهم رقم زد.

سپاسگزاری:

شایسته است براساس «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق» از همه بزرگواران و سرورانی که حق تعلیم بر گردن بنده دارند، صمیمانه سپاسگزاری نمایم؛ به ویژه استاد فرزانه، جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر که منت نهاده، قبول زحمت نمودند و در راهنمایی این پایان‌نامه، نگارنده را با خضوع و صبر مثال زدنیشان گام به گام همراهی نمودند. و نیز استادان عالیقدر، جناب آقای دکتر پدرام میرزایی و آقای دکتر علی محمد پشتدار که با راهنماییها و مشورتهای سودمند و تعالیم ارزنده خویش، در طول دوره کارشناسی ارشد و در تنظیم این مجموعه بنده را یاری فرمودند، کمال تشکر را دارد. به جاست از جناب آقای دکتر احمدعلی جعفری که داوری این پایان‌نامه را برعهده گرفتند صمیمانه تشکر نماید.

در این مختصر از فرصت استفاده کرده و از سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا، که استادی نمونه در طول دوره کارشناسی ارشد همچنین الگو و سرمشقی برای نویسنده این سطور در مسیر زندگی بوده‌اند، کمال تشکر را داشته باشد.

چکیده

تا آنجا که تاریخ نشان می‌دهد، تنها در دوره‌ای کوتاه مدت در سپیده‌دم پیدایشِ زندگی بشر، رابطه‌ی زن و مرد همراه با تعادل و انصاف بوده و یا حتی نوعی زن - مادر سالاری وجود داشته است. در آن دوره کوتاه زنان به خاطر قدرت زایمان و تداوم بخشیدن به نسل‌های انسانی مورد احترام بوده‌اند و مردان ظاهراً نقش کمی در این جوامع داشته‌اند اما این وضعیت خیلی نمی‌پاید و مرد - پدرسالاری به تدریج بر تمام شوون زندگی اجتماعی چنگ افکند و در سرگذشت تمام ملل چنین تبدیل و تحولی را می‌توان مشاهده کرد. از این پس نظام اجتماعی سیاسی و فرهنگی حاکم بر جوامع انسانی، نظامی مردسالار می‌گردد. در این نظام، زن جنس دوم قلمداد می‌شود و از پاره‌ای امتیازها و حقوق اساسی محروم و بر او انواع ظلم و ستم وارد می‌شود.

لذا در این مختصر بر آن شدیم تا با استفاده از رویکردهای روانکاوانه و زن مدارانه و اجتماعی و با استفاده از باورها و افسانه‌های بومی، به تحلیل و بررسی آثار منیرو روانی‌پور، نویسنده معاصر اهل جنوب پردازیم.

کلیدواژه‌ها: زن، تحلیل شخصیت، رویکرد فمینیستی اجتماعی، باورهای بومی.

فهرست مطالب

پیشگفتار ۵

فصل اول: کلیات

- ۸ - بیان مسئله و پرسش‌های تحقیقاتی
- ۹ - بیان فرضیه‌ها
- ۹ - اهداف پژوهشی
- ۹ - اهمیت و ضرورت پژوهش
- ۹ - روش تحقیق
- ۱۰ - جامعه پژوهش

فصل دوم: تاریخچه ادبیات داستانی و انواع آن

- الف - تاریخچه ۱۲
- ب - انواع داستان
- داستان ۱۷
- قصه ۱۸
- رمانس ۱۹
- رمان ۱۹
- رمان فارسی و ایرانی ۲۰
- رمان نو، ضد رمان ۲۰
- داستان کوتاه ۲۱
- تفاوت داستان کوتاه و ناول ۲۱
- ج - نگاهی به ادبیات معاصر ایران در دهه‌های اخیر ۲۲
- رواج رئالیسم ۲۵
- رئالیسم جادویی ۲۶
- حضور پر حجم نویسندگان زن در سال‌های اخیر ۲۷

فصل سوم: نقد

- ۳۱ - تعریف نقد ادبی
- ۳۲ - هدف نقد ادبی
- ۳۲ - منتقد ادبی
- ۳۴ - خرده‌گیری و بدبینی نسبت به نقد
- ۳۴ - ارزیابی نقد ادبی
- ۳۵ - فوائد نقد ادبی
- ۳۵ - نسبی بودن نقد ادبی
- ۳۶ - نقد ادبی و ادبیات
- ۳۶ - نقد ادبی در ایران
- ۳۷ - نقد روان‌شناختی
- ۳۸ - نقد فمینیستی
- ۳۹ - تاریخچه فمینیسم
- ۴۰ - معنی فمینیسم
- ۴۱ - سیر تحول تاریخی طرفداری از حقوق زن
- ۴۱ - موج اول
- ۴۲ - موج دوم
- ۴۳ - موج سوم
- ۴۲ - گرایش‌های مختلف طرفداری از حقوق زنان
- ۴۴ - جامعه‌شناسی زن باوری
- ۴۵ - جنبش آزادی زنان اسلامی

فصل چهارم: زندگینامه، آثار، سبک و جهان‌بینی منیرو روانی پور

- ۴۷ - الف - زندگینامه و آثار
- ۴۹ - ب - شخصیت‌های داستان‌های روانی پور
- ۵۰ - زنان
- ۵۵ - نقطه اشتراک زنان داستان‌های روانی پور
- ۵۵ - مردان

- ۵۷.....داستان‌نویسان زن و مرد از دیدگاه روانی‌پور
- ۵۸.....موتیف‌های تکرار شونده
- ۵۸.....آینه‌ها
- ۵۸.....پیرزن‌ها
- ۵۸.....زاویه دیدانای کل
- ۵۹.....زن نویسنده
- ۵۹.....خواهران چندگانه
- ۵۹.....راننده‌ها و غریبه‌های سرگردان
- ۵۹.....طبیعت
- ۶۰.....ج - باورها و اعتقادات خرافی
- ۶۰.....آبی‌ها
- ۶۱.....سرخ‌ها
- ۶۱.....بوسلمه
- ۶۱.....پری
- ۶۱.....آل
- ۶۱.....پری دریاها
- ۶۲.....د- شیوه‌های نگارش
- ۶۲.....ویژگی‌های داستان‌های روانی‌پور
- ۶۲.....شیوه‌های نگارش
- ۶۳.....ویژگی‌های فکری
- ۶۳.....ویژگی‌های زبانی
- ۶۴.....ویژگی‌های ادبی
- ۶۵.....فضای اجتماعی داستان‌ها
- ۶۵.....سنت و مدرنیته
- ۶۷.....جریان سیال ذهن

فصل ۵: خلاصه و تحلیل آثار داستانی روانی‌پور به ترتیب سال نشر

- ۷۱.....الف - مجموعه کنیزو (۱۳۶۷)

۷۲	کنیزو
۷۴	شب بلند
۷۶	آبی‌ها
۷۸	طاووس‌های زرد
۷۹	دریا در تاکستان‌ها
۸۰	مانا، مانای مهربان
۸۰	پرشنگ
۸۱	مشنگ
۸۲	جمعه خاکستری
۸۴	ب - رمان اهل غرق (۱۳۶۷)
۸۶	زنان در اهل غرق
۹۰	ج - رمان دل فولاد (۱۳۶۹)
۹۴	د- مجموعه سنگ‌های شیطان (۱۳۶۹)
۹۶	هـ - مجموعه سیر یا... سیریا (۱۳۷۲)
۱۰۰	و- رمان کولی کنار آتش ۱۳۷۸
۱۰۶	ز- مجموعه زن فرودگاه فرانکفورت (۱۳۸۰)
۱۱۳	ح - مجموعه نازلی (۱۳۸۲)
۱۱۴	رعنا
۱۱۸	شیوا
۱۲۰	نازلی
۱۲۲	تقسیم‌بندی داستان‌ها براساس نوع
۱۲۳	تقسیم‌بندی داستان‌ها بر پایه شهر و روستا
۱۲۴	نمودارها
۱۲۶	فرجام سخن
۱۲۹	فهرست منابع و مآخذ
۱۳۴	نامنامه

پیشگفتار

با مطالعه آثار نویسندگان دهه شصت می‌توان، از حضور پر حجم نویسندگان زن اطلاع یافت که هم‌اوردی آنان در آن سال‌ها با نویسندگان مرد را نمی‌توان نادیده گرفت.

آنها توانستند آن نیمه پنهان یا به عبارتی آن حافظه گم شده تاریخی خویش را دریابند و به معرض قضاوت جامعه بگذارند. گفتنی است که اغلب زنان داستان‌نویس ما در حوزه داستان‌های کوتاه به موفقیت‌هایی چشم‌گیر دست یافته‌اند. اما متأسفانه در قلمرو رمان و داستان‌های بلند، به جز چند نفری بقیه در گستره محمل‌های داستانی و چشم‌اندازهای پیچیده رمان به قصه‌های ماندگاری نزدیک نشده‌اند.

شاید بتوان داستان‌نویسان زن، دوره معاصر را به سه گروه تقسیم کرد:

نخست، گروهی چون سیمین دانشور و نویسندگانی که در ردیف ایشان قرار دارند و از گذشته‌های پر بار فرهنگی، هنوز حرف‌هایی برای گفتن دارند و اغلب در قالب‌های رئالیستی قلم می‌زنند.

گروه دوم: کسانی که شیوه‌های نوشتن و تفکر داستانی را در این سال‌ها به خوبی دریافته‌اند و در قد و اندازه‌های به قول معروف با کلاس‌تری می‌نویسند و به مقوله جنسیت و ویژگی‌های زنانه، چندان توجهی ندارند و طرح هرگونه ستمی را برای همگان به یکسان می‌بینند و در نهایت از تقسیم‌بندی‌های زنانه و مردانه فاصله می‌گیرند.

و اما گروه سوم: گروهی هستند که بر بنیاد اندیشه‌های فمینیستی و نگاه‌های خاص زنانه خود می‌نویسد و بر این باورند که با طرح مسائلی از این دست می‌توان جامعه را متوجه مطالبات هویت و باورهای خود کرد.

در این میان منیرو روانی‌پور را می‌توان نویسنده زنان دانست و شاید بهترین دلیل این نامگذاری آن باشد که او در تمام داستان‌هایش اعم از رمان و داستان کوتاه بیشتر از زنان سخن گفته است.

وی با ذهنی خلاق و بهره‌گیری از شیوه رئالیسم جادویی توانسته است، در برخی از داستان‌های خود حال و هوایی غیرعادی و جدا از زندگی روزمره را از ورای عینک خیال پردازانه خویش تصویر

سازد. در این زمینه، آن دسته از داستان‌های روانی‌پور به موفقیت رسیده‌اند که تصاویر خیال نویسنده را با واقعیت‌های زندگی بومی مردمی که نویسنده آن‌ها را می‌شناسد درهم تنیده است. در این داستان‌ها، شناخت و تجربه عمیق نویسنده از روابط اجتماعی، ویژگی‌های منطقه‌ای و جغرافیایی و خواسته‌ها و نیازهای قشر خاصی از مردم باعث خلق فضای صمیمی و در عین حال رؤیگونه شده است، که زبان خاص خود را در بیان درونیات و ذهنیت‌هایش دارد.

فصل اول

کلیات

بیان مسئله و پرسش‌های تحقیقاتی

شخصیت‌های داستانی روانی‌پور عمدتاً جزء خواص هستند، آن‌ها زنان و مردانی هستند که اسیر سنت‌های دیرین و رسومات دیر باور شده‌اند. بسیاری از شخصیت‌ها دارای نظام فکری پیچیده هستند. کشف چالش برانگیزترین و ژرف‌ترین ابعاد حقیقت، آن‌ها را به انسان‌هایی کنده شده از خانواده و اجتماع و زندگی بدل کرده است. این شخصیت‌ها غالباً بیشتر عمر خود را در گذشته می‌گذرانند و از آینده‌ی خود بی‌خبر هستند. چارچوب شخصیت‌های داستانی در میان واگویه‌های زنان با خودشان شکل گرفته است. نظام فکری و استدلالی رمان و مجموعه‌های کوتاه در راستای ستیز با سنت‌های مردسالارانه به پیش می‌رود. بر این اساس به بررسی ابعاد شخصیت زن در آثار داستانی روانی‌پور بر پایه شگردهای داستان‌نویسی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های مختلف آن از دیدگاه‌های گوناگون پرداخته شده است.

در این خصوص پرسش‌هایی که طرح شده به شرح زیر می‌باشد:

۱- آیا روانی‌پور در پروراندن شخصیت زن آثار داستانی خود از باورها و افسانه‌های بومی استفاده کرده است؟

۲- آیا روانی‌پور به سرخوردگی‌های عاطفی زنان در آثارش توجه کرده است؟

۳- آیا شخصیت‌های زن در آثار داستانی روانی‌پور در فضایی شناور بین دنیای واقعی و افسانه‌ای هستند؟

۴- آیا شخصیت زنان آثار داستانی روانی‌پور با دنیای مردسالارانه محیط وقوع داستان ارتباط دارند؟

بیان فرضیه‌ها

- با نگاهی اجمالی به آثار داستانی منیرو روانی‌پور، فرضیات زیر را می‌توان از ذهن گذراند:
- ۱- روانی‌پور در آثار داستانی خود در پردازش شخصیت‌های زن از باورها و افسانه‌های بومی و خرافی نسبتاً استفاده کرده است.
 - ۲- روانی‌پور در شخصیت‌پردازی زنان داستانی خود به سرخوردگی‌های عاطفی آنان توجه دارد.
 - ۳- بررسی شخصیت زن در آثار روانی‌پور در مرز واقعیت و افسانه شناور است.
 - ۴- تحلیل شخصیت زن در آثار داستانی روانی‌پور با دنیای مردسالارانه محیط وقوع داستان ارتباط دارد.

اهداف پژوهشی

هدف از این پژوهش، عرضه کردن اثری جهت استفاده دانشجویان زبان و ادبیات فارسی و علاقه‌مندان به آثار داستانی، بویژه بررسی و تحلیل شخصیت زنان در آثار یک نویسنده زن.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در این‌باره مقالات و نوشته‌های پراکنده وجود دارد ولیکن با این رویکرد که در عنوان پایان‌نامه آمده‌کار مستقلی صورت نگرفته است. بنابراین ضرورت ایجاد می‌کند که به بررسی شخصیت زن در آثار این نویسنده مشهور که به بررسی خاصی نیاز دارد اقدام شود.

روش تحقیق

نوشتار و تحقیق پیش‌رو، «برگ سبزی است تحفه درویش» هرچند تلاش نگارنده این سطور بر این بوده است که سخنی به گزاف و یا غیر مستند گفته و آورده نشود، و هرچه را می‌گوید و می‌نویسد بر طریق حق و اعتدال باشد، اما مبرهن است که گفته‌اند: املای نانوشته غلط ندارد. لذا هرکس کتابی تألیف کند، خود را مورد آماج تیرهای انتقاد قرار می‌دهد.

بر این اساس، نگارنده انتظار شنیدن نظرهای ارشادی و انتقادهای اصلاحی را دارد. به قول معروف بهترین دوستان من کسانی هستند که عیوب مرا به من هدیه دهند.

مبنای کار این تحقیق آثار داستانی منیرو روانی پور می باشد و شامل سه رمان و پنج مجموعه داستان کوتاه است که در کل ۴۴ داستان را تشکیل می دهد. از این بین تمامی داستان های مجموعه کنیز و نازلی به طور کامل و بقیه مجموعه ها و رمان ها به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است. در حین مطالعه آثار داستانی روانی پور، گردآوری کتب مختلف و مقالات معتبر درباره نقد داستان های ایشان نیز انجام گرفت.

با توجه به موضوع تحقیق، بهترین روش انتخابی، تحلیل محتوا و مطلوب ترین راه برای موضوعاتی از این قبیل، راهبرد کتابخانه ای است. بنابراین با بهره گیری از روش برگه نویسی، به جمع آوری اسناد و اطلاعات پرداخته شد. پس از آن برگه ها برحسب موضوع دسته بندی و تفکیک شده و در جایگاه خود بنا به صلاح دید مورد استفاده قرار گرفت و تألیف پایان نامه به فضل و مدد الهی به انجام رسید.

لازم به تذکر است جملاتی که از کتاب های روانی پور در متن پایان نامه به عنوان شاهد آورده شده است فقط به ذکر نام کتاب و صفحه آن اکتفا شده است.

جامعه پژوهش

هدف اساسی این تحقیق بررسی و تحلیل آثار داستانی منیرو روانی پور، نویسنده معاصر می باشد لذا برای تحقق این هدف، نگارنده داستان های این نویسنده اهل جنوب را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و همچنین در جریان کار و سیر مطالعات در این زمینه، یادداشت برداری و تحلیل محتوا را با استفاده از منابع معتبر انجام داده است.

فصل دوم

تاریخچه ادبیات داستانی

و

انواع آن

تاریخچه

نثر، سخنی است که از نظم شاعرانه بری باشد. نثر، کهن‌ترین شکل ابلاغ آدمی بوده و داد و ستد و ارتباط کلامی و اطلاع‌رسانی از ابتدای پیدایی زبان به نثر صورت می‌گرفته است. خصلت روزمره نثر، موجب سهولت و تقویت جنبه اطلاع‌رسانی آن شده و این خصلت را در تفاهم با نظم، حتی در نثر داستانی حفظ کرده است. (عبادیان، ۱۳۷۱، ص ۶۳)

اگرچه می‌توان نثر فارسی را نیز به لحاظ صورت‌ها و معناهای آن، به عدد نویسندگان این زبان به انواعی تقسیم کرد، اما به طور کلی و با اندکی مسامحه و در نظر گرفتن اشتراکات لفظی و معنوی و موضوعی و سیر تکاملی و سبک‌ها، می‌توان در مرحله اول، آن را به دو قسم، نثر کهن و نثر معاصر فارسی تقسیم کرد. دوران رواج نثر کهن از آغاز نثر فارسی تا دوره بیداری است و نثر معاصر از دوره بیداری تا به امروز ادامه دارد.

نثر معاصر را می‌توان به لحاظ خصلت‌های متفاوت آن با نثر کهن، به عنوان نوع ادبی کاملاً مستقلی مورد بررسی قرار داد، بدین معنی که از دوره بیداری به بعد، نثر کهن فارسی، دستخوش تغییراتی اساسی شد. ابتدا دارای محتویات سیاسی بود که بهترین نمونه‌های آن را در نثر روزنامه‌ای می‌بینیم؛ ولی این نوع نثر به سرعت تحت تأثیر ترجمه قرار گرفت و الگوهای خود را از ادب اروپا مخصوصاً فرانسه اخذ کرد و تنوع و توسعه یافت و قصه‌نویسی رونق گرفت و نثر ساده اروپایی متداول شد و نثر فارسی نوینی به عنوان رسانه عمومی به وجود آمد که به وسعت، در مطبوعات، نظام اداری و اجتماعی و سیاسی و مراکز علمی و فرهنگی، از ابتدایی تا دانشگاه مورد توجه قرار گرفت و انواع متعدد و فراوانی پیدا کرد که مهمترین آن‌ها عبارتند از:

۱- نثر داستانی

۲- نثر علمی و تحقیقاتی

۳- نثر روزنامه‌ها و مجلات

۴- نثر نمایشنامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها

۵- نثر مقالات و گزارش‌ها و نامه‌های اداری و خصوصی

۶- نثر ترجمه

۷- نثر کودکان و نوجوانان... (رستگار فسایی، ۱۳۸۰، ص ۸۵)

نثر داستانی، روایتی است؛ روایت‌ها از کرده‌های عملی و ذهنی گذشتگان حکایت دارند و از آن‌ها مایه و محتوا می‌گیرند. این واقعیت به نثر داستانی رنگ و قوع یافتگی می‌دهد. در هر روایتی، عنصر تاریخی و گزارش نهفته است. (عبادیان، ۱۳۷۱، ص ۳۲)

ادبیات داستانی کشورمان - به مفهوم جدید کلمه - در عمر صدساله خود سهمی عمده در پرورش سلاطین بخشی از مردم کشورمان دارد. داستان در این صد سال اهمیت و مفهوم تازه‌ای یافت و توانست به صورت یک سنخ ادبی مجزا خود را به صحنه بگذارد. تمام هم و غم داستان‌نویسان ما در این صد سال، مصروف وصف اوضاع اجتماعی گردید و آن‌ها دریچه درک هنر داستان‌نویسی را به روی خوانندگان شما گشودند و سرآغاز تحولی فراگیر در تاریخ ادبی کشورمان شدند. (آژند، ۱۳۷۰، ص ۷) به عقیده میشل زرافا باید کاری کرد تا تاریخ جامعه از طریق ادبیات آن خوانده شود. (زرافا، ۱۳۶۸، ص ۸)

ادبیات داستانی به بسیای از التهابات و اضطراب‌ها و تشنجات اجتماعی، چالش‌های سیاسی و تنش‌های روانی حالتی زنده‌نما داد و زندگی مردم را در مسیرهای گوناگون صدساله، تصویر نمود. هر رمان و داستان کوتاهی بیانگر تصویر کاملی از افت و خیزها کنش‌ها و بکن نکن‌های اجتماعی و اعلامیه‌ای علیه نهادهای کهن جامعه ایران بود. گاه ناخنشودی از خودکامگی مطلق در ابعدا سیاسی، اجتماعی ترسیم کرد و گاه با سیطره بسیاری از آموزه‌های نابهنجار به ستیزه برخاست و در معنایی تازه به اصلاحگری روی آورد. گاه مشحون از خردگرایی شد و گاه احساس و عاطفه را برشمرد و صرفاً واسطه‌ای برای سرگرمی و شور و هیجان گردید. زمانی واقعیت تاریخی جامعه را در قالبی موجز و محکم نشان داد و زمانی هم کژبافیها و کژتابیهای آن را با صراحت و وضوحی در خور تصویر نمود و مشبر روح زمانه‌اش شد. (آژند، ۱۳۷۰، ص ۸)

نویسندگان ایرانی، ابتدا شروع به نوشتن رمان کردند. این رمان‌ها تحت تأثیر سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها و خاطرات سیاسی جدید و بخصوص ترجمه رمان‌های حادثه‌ای و احساساتی غربی بود و در آن‌ها واپس‌ماندگی اجتماعی و سیاسی جامعه ایرانی تشریح شده بود و در ضمن انتقاد صریح از اوضاع و احوال خصوصیتی آموزش داشت، مانند *سیاحتنامه / ابراهیم بیک* اثر زین‌الدین مراغه‌ای. بعد از رمان‌های انتقاد اجتماعی و تعلیمی، رمان‌های تاریخی، شایع شد که از خصوصیت ناسیونالیستی یا ملیت‌گرایی برخوردار بود و در آن‌ها زنده کردن مفاخر تاریخی و برانگیختن احساسات وطن‌پرستانه،

موردنظر نویسندگان بود؛ از جمله این‌ها می‌توان به رمان شمس و طغرا نوشته محمدباقر میرزا خسروی، اشاره کرد دست آخر رمان‌های احساساتی و انتقاد اجتماعی که در آن‌ها مفساد و فجایع اجتماعی به نمایش گذاشته می‌شد رواج یافت؛ مثل رمان تهران مخوف نوشته مرتضی مشفق کاظمی و روزگار سیاه اثر عباس خلیلی. این رمان‌ها به علت اشکالات فنی و نقص‌های تکنیکی و خصوصیت گزارش گونه آن‌ها نتوانست پایه‌ای برای داستان نوین فارسی باشد و راه را برای رمان‌های بازاری و پاورقی هموار کرد و به همین دلیل برخلاف اغلب کشورهای دنیا، پایه ادبیات داستانی نوین فارسی را نویسندگان داستان کوتاه گذاشتند، مثل محمدعلی جمالزاده، صادق هدایت و بزرگ علوی. (رستگارفسایی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۱) در دهه ۱۳۶۰ رمان جدی فارسی، به عنوان عمده‌ترین طرز ادبی، توجه خوانندگان را به خود جلب کرد. تب رمان‌نویسی چنان تند شد که برخی سال‌های ۱۳۷۰ را دهه اعتلای ادبیات داستانی می‌دانستند و از جهانی‌شدن ادبیات ایران دم زدند. اما در آستانه دهه ۱۳۷۰ وضع به گونه دیگری است و همه چیز حکایت از بحرانی فرهنگی دارد. در میان نویسندگان و منتقدان، نوعی آشفتگی و بی‌اطمینانی مشاهده می‌شود و رمان متعالی دوران رکود خود را می‌گذراند. (میرعابدینی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۲۶۳)

ادبیات داستانی، بخشی از ادبیات تخیلی است و تفاوت عمده این دو با هم در این است که ادبیات داستانی تنها انواع داستانی روایتیِ منشور را دربر می‌گیرد؛ خواه این آثار از خصوصیت شکوهمند و عالی ادبیات تخیلی برخوردار باشد، خواه نباشد. یعنی هر اثر روایتی منشور خلاقه‌ای که با دنیای واقعی ارتباط معنی‌داری داشته باشد، در حوزه ادبیات داستانی قرار می‌گیرد. (عبادیان، ۱۳۷۱، ص ۳۲) فدوی شگری نیز بر این عقیده است که، ادبیات داستانی در حکم آینه‌ای است که تحولات روحی و معنوی انسان را در طول زمان در خود بازتاب می‌دهد و تا انسان وجود دارد و متحول است، داستان نیز وجود خواهد داشت، و تصویر او را در خود نشان خواهد داد. (فدوی شگری، ۱۳۸۶، ص ۳۴)

آرین‌پور در کتاب *از صبا تا نیما* آورده است که: «رمان و رمان‌نویسی به سبک اروپایی و به معنای امروزی آن تا شصت هفتاد سال پیش که فرهنگ غرب در ایران رخنه کرد، در ادبیات ایران سابقه نداشت. ابتدا رمان‌ها به زبان‌های فرانسه و انگلیسی و ندرتاً روسی و آلمانی یا عربی و ترکی به ایران می‌آمد و کسانی که به این زبان‌ها آشنا بودند، آن‌ها را می‌خواندند و استفاده می‌کردند. سپس رمان‌هایی از فرانسه و بعد انگلیسی و عربی و ترکی و استانبولی به فارسی ترجمه شد.